

بررسی تطبیقی عصمت حضرت زهرا "سلام الله علیها" از نظر علمای اهل

سنت و شیعه در آیه تطهیر

راضیه السادات حسینی^۱

چکیده

این مقاله به بررسی تطبیقی مفهوم عصمت حضرت زهرا (سلام الله علیها) در میان علمای شیعه و اهل سنت با تمرکز بر آیه تطهیر (آیه ۳۳ سوره احزاب) می‌پردازد. سوره احزاب که آیات تاریخی و اجتماعی مهمی را در بر دارد، حاوی آیه تطهیر است که از نگاه بسیاری از مفسران، به عصمت اهل بیت (علیهم السلام) اشاره دارد. با آن که قبل و بعد از این آیه خطاب به زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) است، مفسران شیعه و اهل سنت برداشت‌های متفاوتی از آن دارند. علمای شیعه آیه تطهیر را دلیلی روشن بر عصمت اهل بیت، از جمله حضرت زهرا (سلام الله علیها) می‌دانند، در حالی که برخی علمای اهل سنت، معنای آیه را گسترده‌تر دانسته و آن را شامل مؤمنان دیگر نیز می‌دانند. این پژوهش با روش کتابخانه‌ای، به تحلیل روایات و تفاسیر موجود در منابع فریقین پرداخته و ضمن بررسی اختلاف‌ها و اشتراک‌ها، بر اهمیت جایگاه بی‌بدیل حضرت زهرا (سلام الله علیها) در مفهوم عصمت تأکید دارد. در نهایت، مقاله تلاش دارد با تبیین مستندات روایی و تفسیری، زمینه‌ای برای گفت‌وگوی بین‌مذهبی و شناخت عمیق‌تر از مفهوم عصمت فراهم کند.

کلیدواژه‌ها: آیه تطهیر، سنتی، شیعه، عصمت، معصوم

مقدمه

^۱. طلبه سطح ۲ حوزه علمیه کوثر اصفهان، کد طلبگی: ۹۷۱۲۲۰۳۸۳۶.

قرآن کریم اهمیت زیادی برای تاریخ قائل است و در آیات متعددی به وقایع تاریخی صدر اسلام، زندگی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و پیامبران پیشین پرداخته است. سوره احزاب یکی از سوره‌های تاریخی قرآن است که حوادثی مانند جنگ احزاب و همچنین آیه تطهیر را در بر دارد. آیه تطهیر یکی از مهم‌ترین آیات قرآنی در اثبات عصمت اهل بیت (علیهم السلام) است. شیعه این آیه را ناظر بر اصحاب کساء و دلیلی روشن بر عصمت آنان، به‌ویژه حضرت زهرا (سلام الله علیها)، می‌داند. اهل سنت نیز به اهمیت آیه اذعان دارند، اما برخی مفسران دایره شمول آن را گسترده‌تر دانسته و همسران پیامبر یا دیگر مؤمنان را نیز شامل آن می‌دانند. حضرت زهرا (سلام الله علیها) از منظر شیعه تنها زن معصوم اسلام است و شناخت جایگاه ایشان اهمیت اعتقادی بالایی دارد. مقاله با استفاده از منابع معتبر تفسیری و روایی، دیدگاه‌های دو مذهب را تحلیل کرده و هدف آن تبیین تفاوت‌ها و اشتراک‌ها و زمینه‌سازی برای گفت‌وگوی بین‌مذهبی و فهم عمیق‌تر از جایگاه اهل بیت (علیهم السلام) است. در پیشینه پژوهش، آثار گوناگونی به موضوع آیه تطهیر و عصمت حضرت زهرا (سلام الله علیها) پرداخته‌اند. از جمله کتاب «پژوهشی جدید درباره آیه تطهیر» نوشته عبدالرحمن باقرزاده که با استناد به منابع اهل سنت، انحصار مصداق آیه در اصحاب کساء را بررسی می‌کند. همچنین کتاب «رنج‌های حضرت زهرا» نوشته سید جعفر مرتضی عاملی به بررسی شبهات مطرح‌شده درباره زندگی و عصمت حضرت زهرا (سلام الله علیها) می‌پردازد. کتاب «بررسی آیه تطهیر» نوشته میر سید محمد یثربی، دیدگاه شیعه را درباره عصمت و ارتباط آن با آیه تطهیر تبیین می‌کند. نیز کتاب «نگاهی به آیه تطهیر» اثر علی حسینی میلانی در دفاع از مذهب اهل بیت و پاسخ به شبهات مربوط به عصمت اهل بیت نگاشته شده است. از میان مقالات علمی نیز، نوشتار غلامرضا رحیمی با عنوان «مصداق اهل بیت در آیه تطهیر با رویکرد به منابع اهل سنت» قابل توجه است که با بررسی دقیق منابع اهل سنت، تلاش دارد مصداق واقعی آیه را روشن سازد. در مجموع، بر اساس آیه تطهیر و روایات معتبر، اراده تخلف‌ناپذیر خداوند بر پاکی مطلق اهل بیت از جمله حضرت زهرا (سلام الله علیها) تعلق گرفته است. این جایگاه والا موجب شده است که حضرت زهرا (سلام الله علیها) محور استمرار هدایت اسلامی پس از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) باشد و نقش حیاتی در بقای دین ایفا کند. در پایان، مقاله تلاش دارد این پرسش را نیز پاسخ دهد که اگر اهل سنت به عصمت اهل بیت اذعان دارند، آیا به عصمت حضرت زهرا (سلام الله علیها) نیز اعتقاد دارند یا خیر.

۱- مفهوم شناسی

۱-۱. عصمت

«عصمت» واژه‌ای عربی و از ماده «عَصِمَ، يَعِصِمُ» گرفته شده است که سه معنا برای آن ذکر شده؛ یکی: «مَسَكَ» به معنای حفظ و نگهداری^۱. دوم: «مَنَعَ» به معنای گرفتن و نگهداری مناسب‌تر از معنای «مانع شدن» و خودداری است و شاید به همین جهت است که برخی از لغویون نیز «أَعَصَمَ» را به معنای «مَسَكَ» و إعتصام رابه «استمساک» معنا کرده است.

عصمت در اصطلاح نگاهداری نفس از گناه و خطا است. متکلمان در علم کلام آن را به طور کلی نیرویی که فرد را از ارتکاب گناه و خطا باز می‌دارد معنا می‌کنند. این مفهوم دست کم دو معنا برای عصمت ارائه کرده است: ۱- عصمت به معنای لطفی از جانب خداوند است که به بنده‌اش عطا می‌کند، به گونه‌ای که حتی با وجود توانایی انجام گناه یا ترک طاعت، هیچ انگیزه‌ای برای انجام آن‌ها در او باقی نمی‌ماند.^۲ مرحوم شیخ مفید نخستین متکلم امامیه است که به تعریف عصمت پرداخته است. از نظر او عصمت از ناحیه خداوند متعال، همان توفیق و لطف او برای حجت‌های اوست و إعتصام به این عصمت به وسیله حجج الهی برای حفظ این خداوند از ورود گناهان و خطاها در آن است متکلمان امامیه به تبع مرحوم مفید قرن‌ها عصمت را، لطف معنا کرده‌اند و بزرگانی همچون سید مرتضی، شیخ طوسی، نوبختی، بناطی و مانند آنها در آثار خود آن را به کار برده‌اند. ۲- عصمت به معنای ملکه‌ای که آدمی را از اقدام بر معاصی باز می‌دارد. پس از آنکه شیخ مفید عصمت را به لطف تعریف کرد و دیگران نیز آن را پذیرفتند، مرحوم خواجه نصیرالدین طوسی آن را نقل از فلاسفه ملکه نامید و گفت: عصمت ملکه‌ای است، که با وجود آن از صاحبش گناهان صادر نمی‌شود و این بنابر اندیشه حکماست. پس از خواجه برخی از متکلمان معاصر و متأخر از او نیز این تعریف را در کتاب‌های خود ارائه کرده‌اند.

۱-۲. معصوم

^۱. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ذیل ماده ع ص م.

^۲. سبحانی، الالهیات، ج ۳، ص ۱۵۸.

معصوم در لغت به معنای بی‌گناه، نگاهداشته از گناه است.^۱ ریشه اصلی معصوم در اصطلاح، عَصَمَ است که از (عصمت به معنی طاهر و پاکدامن و دور از گناه) گرفته شده است. بنابراین معصوم فردی است که در هیچ شرایط و هیچ زمانی گناه نمی‌کند. به دلایل ذیل:

الف: معصوم به طور ذاتی اصلاً گرایشی به گناه ندارد زیرا در روایات آمده که قبل از این عالم رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه انواری در ظل عرش بوده‌اند و در انعقاد نطفه و طینت از بقیه مردم امتیاز داشته‌اند و مقامات زیادی دارند و نطفه خلقت آن‌ها پاک و طاهر است.

ب: معصوم اطلاعات بسیار قوی از جهان و اهداف خلقت دارد و از علم و آگاهی خود مانند سلاح محافظ از خودش مراقبت می‌نماید.

ج: ذات پاک و علم دقیق به جهان قوه تشخیص بالایی به معصوم داده تا گناه برایش هیچ جذبه‌ای نداشته باشد و اگر سرش هم برود هرگز گناه پذیر نمی‌شود و راه را از چاه از ابتداء تا انتهاء به خوبی و با دقت زیاد درک می‌کند. یادآوری: معصوم بالاجبار از گناه بازداشته نشده است که اگر اینگونه بود اطلاق کلمه معصوم بر او غلط بود و در کلمه لفظ ممانعت و منع از گناهان لحاظ می‌شود.

۱-۳. شیعه

شیعه در اصطلاح فرقه، گروه، به واحد و جمع و مذکر و مؤنث اطلاق می‌شود و گروهی از مسلمانان که معتقد به خلافت بلافصل علی بن ابیطالب (علیه‌السلام) و اولاد آن حضرت می‌باشند.^۲

^۱. معین، فرهنگ فارسی، ص ۲۱۳.

^۲. عمید، فرهنگ فارسی عمید، ص ۶۴۰.

۱-۴. سنی

در اصطلاح منسوب به سنت، واحد سنیّه، کسی که از اهل سنت باشد، یک تن از سنیّه که قائل به خلافت ابوبکر و جانشینان او هستند، مقابل شیعه.^۱

۱-۵. تطهیر

به معنای پاکی و خویشتن داری از گناه و معصیت. خلیل بن احمد می گوید: «خداوند متعال می فرماید: «مردانی هستند که خواهان پاکیزگی (طهارت جسم و جان) هستند.»^۲ یعنی: ... و همچنین التّطهیرُ به معنای پاکی و خویشتن داری از گناه و معصیت است.»^۳ صاحب مفردات این گونه می نویسد: اکثر آیات قرآن بر این دو معنا حمل می شوند.^۴ طهارت دو گونه است: طهارت جسم و طهارت نفس و «طهر» به معنای پاکی از چرک و نجس است و کلمه «طاهر» الغرض به معنای دور بودن شخص و آبروی وی از عیب است و به همین جهت است که به حالتی که نقض حیض است طهر می گویند.»^۵

از نظر دین اسلام، پذیرش عصمت حضرت زهرا (سلام الله علیها) زمانی برای هر انسان تأثیرگذار است، که آن را تجسّم در عینیت خارجی کند، روشن است که در دین اسلام شبیه سازی و دادن ضابطه فکری یا صدور احکام نمی تواند به اندازه تجسم (مجسم کردن) و به عینیت در آوردن آن به صورت یک واقعیت زنده و متحرک به حکم، اندیشه و ضابطه ثبات، قوّت اعطاء کند زیرا دلیل عقلی و فطری می تواند انسان را قانع کند و بر او حاکم شود. اما تجسم اندیشه به انسان رضایت، اطمینان و آرامش می بخشد. پس ضروری است تا آرامش روانی با آن پذیرش فکری و عقلی، هماهنگ و همراه شود و هر دو با هم دست احساسات و عواطف را گرفته هدایت کنند. چون پذیرش عقلی، عملی، فکری مستند به برهان و حجّیت قاطع است و هیچ گونه خللی و نقصی در آن نیست.

^۱. همان، ص ۵۹۵.

^۲. توبه: ۱۰۸.

^۳. فراهیدی، العین، ج ۴، ص ۳۱۰.

^۴. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۳۱۰.

^۵. فراهیدی، العین، ج ۴، ص ۱۸.

بنابراین عصمت به معنای توانایی از انجام چیزی نیست بلکه عصمت یعنی: قدرت معرفت و انتخاب شایسته و اراده قوی و فعال با عقل بزرگ و رعایت و حمایت الهی، اما بزرگی و کوچکی سن، یا میزان رشد جسمانی اصلاً معیار صفای روح و کمال ملکات و خصال انسانی و میزان فعلیت تعقل، یا قوت عقل و ادراک، یا وسعت معرفت و استحقاق منازل کرامات نمی‌باشد. خداوند به یحیی (علیه السلام) در کودکی، حکمت عنایت فرمود. چنانچه عیسی (علیه السلام) در گهواره زبان گشود و سخن گفت: « قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا »^۱

حضرت زهرا (سلام الله علیها) هیچگاه نه کودکانه می‌اندیشید و نه در سطح ملکات، إدراکات و بلند پروازی‌های بچه‌گانه قرار داشت. حضرت علی (علیه السلام) و حضرت زهرا (سلام الله علیها) هر دو به هنگام تولد سخن گفته‌اند. حضرت زهرا (سلام الله علیها) پیش از تولد، در شکم مادر با او سخن می‌گفت. کتابهای تاریخ و مصادر روایی شیعه و سنی روایات فراوانی از این قبیل دربارهٔ اهل بیت (علیهم السلام) نقل کرده که بر این حقیقت دلالت دارد.

۵. امکان سرکشی

ما انکار نمی‌کنیم که محیط اجتماعی در روح و روان انسان و رفتار و اخلاق او تأثیر دارد اما معتقدیم که این تأثیر نه در همه مردم هست و نه حتمی الوصول به حدی که با وجود آن انسان ارادهٔ خود را از دست بدهد و محیط او را اسیر خود نماید و مانع انتخاب او شود و از حرکت به سوی خیر و صلاح و رستگاری باز دارد.

قرآن کریم به گونه‌ای این مطلب را برای ما بیان فرموده که جای هیچگونه تردیدی باقی نمی‌گذارد. آنگاه از زنانی سخن می‌گوید که خداوند آنان را الگوهایی برای مردم قرار داده است، مثل مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم و آنگاه از زنانی دیگر سخن می‌گوید که مردم باید از کردارشان عبرت و پند گیرند. همچون زن نوح و زن لوط.

به طور خلاصه به این نتیجه می‌رسیم که حضرت مریم (سلام الله علیها) در راه رضای خداوند سبحان صبر و تحمل پیش گرفت. در آن شرایط محیطی حضرت مریم شد زیرا کلمات خداوند را تصدیق کرد و از پرهیزکاران بود و از سوی دیگر این مسأله به یک مورد خاص ختم نمی‌شود تا بتوان آن را یک استثناء به حساب آورد بلکه همین قضیه تکرار شده است و زن نوح نیز در آن شرایط خوب خانه حضرت نوح منحرف شد و فقط به انحراف خود بسنده نمی‌کند بلکه

^۱. مریم، ۲۲-۲۰.

می‌خواهد آنچه را شوهرش می‌سازد نابود کند و این مسأله نیز تکرار شد. اما رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) خبر داده که فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) از همه زنان جهان از اولین و آخرین از جمله مریم و آسیه و دیگران به رغم سختی‌ها و مشکلاتی که تحمل کردند، برتر است. و همین نکته نشان می‌دهد که حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) از جایگاه و منزلت عظیمی برخوردار است و مصائب و مشکلاتی که از دشمنان دیده تا چه اندازه سخت و سنگین بوده است. از این مطالب نتیجه می‌گیریم، اگرچه ممکن است گاهی اوقات نظارت آگاهانه را از دست بدهیم و تسلیم شرایط شویم و محیط شخصیت ما را تحت تأثیر قرار دهد ولی در کل، این محیط نیست که شخصیت انسان را می‌سازد.

زن همانند مرد از یک قدرت حقیقی برخوردار است و می‌تواند در هر مسأله‌ای که به او مربوط می‌شود، تصمیم نهایی را بگیرد. او در حدی است که می‌تواند مطابق فطرت و عقل در مسیر هدایت گام بردارد و مخاطب خداوند قرار گیرد و به بالاترین درجات و مراتب برای رسیدن به رفیع‌ترین مقام در زمینه کرامات و عنایت الهی نائل آید.

۶. شأن نزول آیه تطهیر

بر اساس آیات و روایات متواتر و صحیح آیه تطهیر در اواخر زندگی پیامبر اسلام و در خانه ام‌المؤمنین، ام سلمه نازل شد. پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) پس از نزول این آیه، علی، فاطمه، حسن، حسین (علیهم‌السلام) را نزد خود فرا خواند و سپس عبای خویش را به آنان پوشاند و چنین گفت: «اللهم هؤلاء اهل بیتی؛ خدایا، اینان اهل بیت من اند.» در این هنگام ام‌سلمه از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) پرسید: ای رسول خدا! من در چه مقامی هستم؟ آیا من هم در شمار اهل بیت جای دارم؟ پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در جواب او چنین فرمود: «أنت فی خیر و الی خیر؛ تو در (راه) خیر هستی تو جایگاه خودت را داری» و به راه خیر و نیکی هستی.^۱ علامه سید محمد حسین طباطبایی در این باره می‌نویسد: «این روایات بسیار و بیش از هفتاد حدیث است. بیشتر آنها از طریق اهل سنت نقل شده که این خود بیشتر از چیزی است که از طریق شیعه روایت شده است. اهل سنت آن را تقریباً از چهار طریق و شیعه آن را بیش از سی طریق نقل کرده است.»^۲

^۱. طوسی، الامالی، ص ۲۴۸، ح ۳۴۸.

^۲. طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۳۱۱.

در جستجوی من هستی، از چند نفر سراغ می‌گیری، کوچه به کوچه می‌آیی تا به خانه‌ام می‌رسی، دیر وقت است. لحظه‌ای تردید می‌کنی که در خانه را بزنی یا نه، سر انجام دستت را بر روی زنگ می‌فشاری به سوی تو می‌آیم، در خانه را به رویت باز می‌کنم، بعد از سلام و احوالپرسی، خودت را معرفی می‌کنی، طلبه‌ای هستی که در جستجوی جواب آمده‌ای. تو را به داخل خانه دعوت می‌کنم، تو می‌گویی: شرمندهام که این وقت شب مزاحم شده‌ام، شاید شما می‌خواستید استراحت کنید. نگاهی به تو می‌کنم و این چنین پاسخ می‌دهم: کدام نو یسنده را دیدی که شب استراحت کند؟ شب، بهار نوشتن است!

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با عنوان بررسی تطبیقی عصمت حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) از دیدگاه علمای شیعه و اهل سنت، در آیه تطهیر در صدد پاسخگویی به شیوه‌های متفاوت تفسیر در دو مذهب بوده است، در حالی که هر دو گروه بر اهمیت آیه و جایگاه اهل بیت تأکید دارند، برداشتها و تأکیدات آنها به لحاظ اعتقادی و تفسیری متفاوت است با توجه به اینکه احکام و قوانین اسلام بر مبنای فطرت انسان بنا گردیده است.

در منابع شیعه، آیه تطهیر به عنوان دلیلی بر عصمت و مقام والای اهل بیت مورد تفسیر قرار گرفته و مصداق تطهیر به وضوح به آنان نسبت داده می‌شود. این دیدگاه در تأسیس اعتقادات شیعه نسبت به اهل بیت و نقش آنها در تفسیر قرآن و سنت مؤثر است از سوی دیگر، اهل سنت نیز به مقام اهل بیت احترام می‌گذارند، اما تفسیر آنها از آیه تطهیر عمدتاً به معنای عمومی‌تر پاکی و فضیلت نسبت به تمام مؤمنان تعمیم داده شده است. این اختلاف نه تنها در فهم آیه بلکه در تأثیر آن بر روابط اجتماعی و سیاسی بین مسلمانان نیز نقش دارد و بنابراین، درک این تفاوت‌ها می‌تواند به تقویت گفتگوهای بین مذهبی و همگرایی مسلمانان کمک کند. با توجه به یافته‌های این پژوهش، پیشنهاد می‌شود که در راستای تقریب مذاهب اسلامی، بر روی نقاط مشترک تأکید بیشتری شود و تلاش‌هایی برای ایجاد روابط سازنده بین شیعه و اهل سنت صورت گیرد و نشان دهیم با اعتقادات و دیدگاه‌های متفاوت با هم همبستگی و وحدت داریم و تلاش می‌کنیم با توجه به آیه تطهیر که فراتر از یک متن دینی است تاریخ و فرهنگ خود را بهتر بفهمیم و متحد و یکپارچه در راه اهدافمان قدم برداریم.

فهرست منابع

* قرآن کریم؛ ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.

منابع فارسی

۱. طباطبائی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، (ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۳ هـ ش.
۲. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران: راه رشد، ۱۳۸۹ هـ.ش.
۳. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۴ هـ ش.
۴. منابع عربی
۵. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ هـ
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت - دمشق: دارالقلم الدار الشامیة ۱۴۱۲ هـ ق.
۷. سبحانی، جعفر، الالهیات، قم: مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام، ۱۴۱۳ هـ ق.
۸. طوسی، محمد بن حسن، الامالی، قم: دار الثقافة، ۱۳۷۲ هـ ش.
۹. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، اللوامع الإلهیة فی المباحث الکلامیة، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۰ هـ ش.
۱۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم: هجرت، ۱۴۰۹ هـ ق.